

فرهنگی، هنر و رسانه
روزنه

ساجده

سو جان نماد فرهنگ زنان گیلان

در گفت وگو با «حمیدرضا نعیمی» چالش ها و تجربیاتش در این سریال را بررسی کردیم

صفحه ۸

ساعت جادویی مروری بر واقعه کشف حجاب

در گفت وگویی «جام جم»
با علی بصیری نیک، کارگردان پویانمایی مطرح شد



۱۰۴

ریز و درشت آموزش و پرورش در «پرسشگر»

مریم فیروزی، تهیه‌کننده برنامه پرسشگر شبکه آموزش
سیمما از جزئیات تولید و پخش این برنامه می‌گوید



۲۱۴

آرایش جنگی مقابل سبک زندگی آمریکایی

با کورش علیانی درباره اجرا و کارشناسی‌اش
در چند برنامه محور مقاومت گفت وگو کردیم



۶۱۴

نگاه

مسئولیت فراتاریخی هنر و ادبیات!

هنر و ادبیات، خاستگاه فکری و اندیشگی دارد و رسوبات و تأثیرات آن بر افکار عمومی و جوامع، در درازمدت مشخص می‌شود، به همین دلیل نباید انتظار داشت یک شعر، داستان یا رمان و کتاب، از بدو آفرینش به‌طور ناگهانی بر سر زبان‌ها بیفتد؛ هرچند تبلیغ رسانه‌ها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد و این دست اتفاق‌ها کم سابقه نیست، امروز در تقویم «روز غزه» است؛ سرزمینی مظلوم که طی دو سال اخیر آماج تهاجمات سخت و شکننده‌ای بوده،



امیرحسین حکمت‌پور
نویسنده و پژوهشگر فرهنگی

نسل‌کشی‌ها، ویرانگری‌ها و جراحات عمیقی که همه مردم دنیا از آن باخبرند! هیچ حادثه‌ای از چشم هنر و ادبیات دور نیست و عمده حوادث به‌ثبت تاریخی می‌رسند و بعدها درباره‌شان تحقیق و تدقیق می‌شود اما استثناء هم وجود دارد، هنرمندان و نویسندگان و شاعران بارها توانسته‌اند از تاریخ، پیشی بگیرند و روایت آنها با جاذبه زبانی و تصویری بالا، زودتر از روایت مورخان ارائه و برجسته‌سازی شده است، شاعر، نویسنده، فیلمساز و... مشاهدات خودش را ارائه می‌کند؛ یعنی همان زاویه دید و نگاه فردی و بعد پردازش و آراستگی هنری اتفاق می‌افتد. بررسی تاریخ جنگ‌ها، تهاجم‌ها و ایستادگی‌ها، ویرانگری‌ها و حماسه‌ها و وقایع تاریخی در اثر ادبی و هنری لحاظ می‌شود و سندیت پیدا می‌کند، حتی اگر هم تخیل، تحلیل شخصی و سوگیری سیاسی خالق اثر که تأثیر پذیرفته از فضای کلی حادثه است ورود پیدا کند، باز هم بی‌ارتباط با اصل موضوع نیست، اگر ما هنر و ادبیات مقاومت در جهان را ببینیم، به‌خیره‌کننده با مصداق‌های روشن و برجسته‌ای بینیم، به‌همین داستان برمی‌گردد، زیرا وقایع و حوادث به دو گونه ثبت، ضبط و طرح می‌شوند: «تاریخی» و «هنری» اما در جایی که حرف از نزاع «حق و باطل»، «تبعیض و عدالت» و «ظالم و مظلوم» و «سطحی‌اید مسئولیت اهالی هنر و ادبیات سنگین‌تر می‌شود؛ نمونه‌اش، دفاع مقدس مردم ایران در برابر تهاجم همه‌جانبه حاکمیت وقت عراق که با وجود تحمل هزینه‌های سنگین جانی و مالی به ما، خاک، هویت و حیثیت با جان‌بازی و غیرت عمومی ایرانیان نه تنها مصون ماند، بلکه عزت‌آفرینی را هم به‌دنبال داشت؛ اینجا تاریخ، تکلیف و رسالتی شناخته شده دارد یعنی ثبت و ضبط حادثه اما مسئولیت هنر و ادبیات با ظرفیت و توانمندی شگرفش را در سطحی بسیار فراتر باید نگریست! هنرمند و نویسنده فقط نمی‌نویسد! ایجاد باور می‌کند، در کلمات و ترکیب‌ها وسکانس‌هایش «روح» دمیده می‌شود! اصولا کارکرد متفاوت هنرمند و نویسنده با «تاریخ‌نویس» همین جاست! اشغال سرزمین فلسطین، ماجرای تلخ که بیش از ۷۰ سال طول کشیده، همراه با حوادث خونین پی‌درپی که برای مردم مظلوم فلسطین هزینه‌ساز بوده، بخشی درخشان و جریان‌ساز در ادبیات مقاومت جهان و ایران است و الحق والانصاف، شاعران و نویسندگان ایرانی در این عرصه، میدان‌داری خوبی کرده‌اند، علاوه بر این امروز در گوشه و کنار دنیا صدای کسانی را می‌شنویم که با هر زبان، گویش، آیین و باور اعتقادی، برای کودکان غزه خون گریه می‌کنند و قلم می‌زنند، بی‌تردید تاریخ در فردا و فرداها نمی‌تواند به این روایت‌ها و نگاه‌ها بی‌اعتنا باشد، نوشته‌ها، شعرها و داستان‌هایی که هریک در جایگاه «سند زنده تاریخی» به دست نسل‌های دیگر می‌رسد، تاریخ حتماً به این آثار، احترام می‌گذارد و از آنها الهام می‌گیرد، همان‌طور که ما امروز به «جنگ و صلح» و «تولستوی یا «وداع با اسلحه» همینگوی و دیگر آثار موفق که با رویکرد ادبیات مقاومت آفریده شده‌اند، نگاه تکریم‌آمیز داریم.

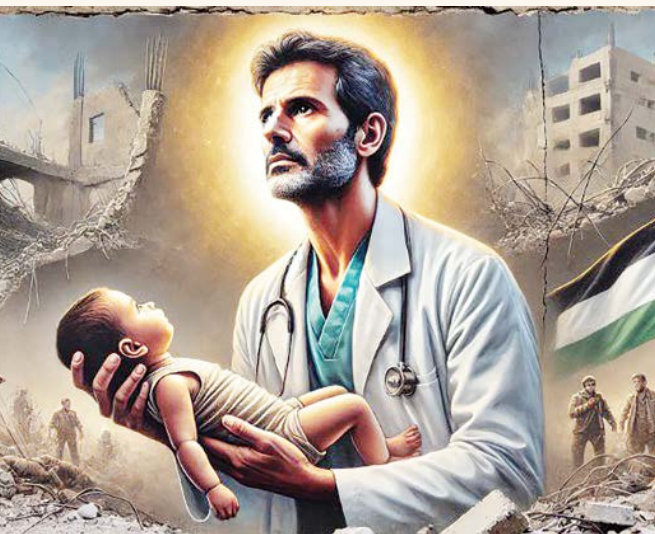
«اردوگاه جبالیا به شهر ارواح تبدیل شده است، بیرون آن دسته سگ‌های ولگرد و گرسنه به چشم می‌خورند و از پنجره‌های دهکده تفریحی می‌توان سگ‌های ولگرد گرسنه را که در اطراف جبالیا پرسه می‌زنند دید.»

نکته هولناک ماجرا این است که صهیونیست‌ها می‌توانستند این دهکده تفریحی با امکانات لاکچری را در تل‌آویو در فاصله ۸۰ کیلومتری غزه برپا کنند اما آنها این دهکده را در نزدیکی غزه و جبالیا ساخته‌اند تا در طول تفریحات‌شان، از دیدن صحنه‌های ویرانی سرزمین‌های فلسطینی و شنیدن صدای تیراندازی و شکنجه‌شدن فلسطینی‌ها در شرایط سخت جنگی لذت ببرند. این ماجرا سبب شده تا برخی کارشناسان، از فیلم «The Zone of Interest منطقه دلخواه»

محصول سال ۲۰۲۳ یاد کنند. منطقه دلخواه فیلمی اقتباسی به نویسندگی و کارگردانی جاناتان کلیز؛ درباره یک فرمانده نازی و همسرش است که در منطقه‌ای دلخواه در نزدیکی کمپ‌های آشویتس در آرامشی شاعرانه مشغول باغبانی و ماهیگیری‌اند و در آن سوتر، اسیران آشویتس در حال خفه شدن در اتاق‌های گاز هستند.

این اخبار نشان می‌دهد که چگونه صهیونیست‌ها در حال زنده‌کردن روش‌های شکنجه باستانی هستند. کمپ تفریحی در کنار خرابه‌های ویرانی، ما را یاد نمونه‌های مخوف چنانکتاران تاریخ می‌اندازد. از جمله معروف‌ترین افرادی که به این نوع شکنجه روانی شهرت داشت می‌توان به ولاد سوم (۱۴۷۶-۱۴۳۱) اشاره کرد. او به «ولاد میخ‌کشنده» معروف بود و در منطقه‌ی ترانسیلوانیای رومانی حکومت می‌کرد. او از روش‌های نامتعارف برای کشتن دشمنان خود استفاده می‌کرد. او دشمنانش را در اطراف میز غذایی به میخ می‌کشید و همزمان با دیدن شکنجه شدن و بر خود پیچیدن آنها غذا می‌خورد.

تفریح در خون



تا پاپ‌کورن و پشمک، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد...» این توصیفات را روزنامه‌ی دیپوئت آهارونوت با عنوان «اخبار خوش جنگ» نوشته و در دو صفحه به توصیف آن پرداخته است. این گزارش از چند منظر تکان‌دهنده و هولناک است. دهکده تفریحی سربازان اسرائیلی فقط چندصد متر با اردوگاه معروف جبالیا فاصله دارد و کمی آن‌طرف‌تر فلسطینیان غزه در حال دست و پنجه نرم کردن با گرسنگی سیستماتیک و تحمیلی از سوی اشغالگرانند و کودکان از سرما و گرسنگی در یک نسل‌کشی عریان و تمام‌عیار جان خود را از دست می‌دهند. چند روز پس از کریسمس، ارتش اسرائیل به بیمارستان کمال عدوان یورش برد و واحدهای تفریحی سربازان قرار داده نفر از کادر پزشکی آن را کشت، ۳۵۰ نفر را در سرما با لباس زیر بیرون برد. ۵۰ نفر نیز در یک حمله هوایی هنگامی که در ساختمانی در کنار بیمارستان پناه گرفته بودند کشته شدند. آموس هرئیل، تحلیلگر روزنامه هآرتز رژیم صهیونیستی درباره جبالیا در نزدیکی دهکده تفریحی صهیونیست‌ها می‌نویسد:

«ارتش اسرائیل در سواحل غزه، دهکده‌ای تفریحی برای سربازان و ارتش خود به‌پا کرده است. سربازان اسرائیلی در این دهکده با سوسیس‌های چورتسو و استیک پذیرایی می‌شوند و در اتاق‌های مجاور، متخصصان آنان را ماساژ می‌دهند و از درمان‌های طبیعی برای بهبود عملکرد جسمی‌شان استفاده می‌کنند. این دهکده با زمین سبز و چمن‌کاری مزین شده و در هر گوشه و کنار آن کیسه‌بوکس‌هایی شبیه انسان برای ضربه‌زدن تفریحی سربازان قرار داده شده است. یکی از سربازان کاپوچینو می‌خورد و آن دیگری نوشیدنی انرژی‌زا را با تکه‌های یخ سر می‌کشد، صبحانه مثل هتل‌های پنج‌ستاره است و عصرانه مراسم باربیکوی باشکوهی برگزار می‌شود. یکی از سربازان با خنده می‌گوید: فکر نمی‌کردم چنین جایی وجود داشته باشد... سالی برای بادی‌گر هم وجود دارد. از اوافل بلژیکی

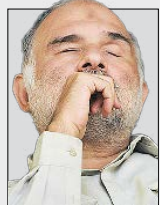


سعید ملایی
نویسنده و پژوهشگر فرهنگی

یادداشت

آتش در خانه آفرور

این روزها آتش به‌جان آمریکا افتاده و کالیفرنیا و لس‌آنجلس دارد می‌سوزد. به گزارش خودشان این آتش‌سوزی در تاریخ آمریکایی سابقه‌ی بوده و برآوردهای زیان مالی این رخداد، ارقام چشمگیری را نشان می‌دهد. ماکه از رنج دیگران ناراحتیم اما به نظر می‌آید که این تلنگری از سوی خداوند برای سردمداران آمریکا شاید باشد. بنا به باور ما همه در هم و بر هم تأثیر دارند و هیچ‌کاری در هیچ‌جایی بی‌اثر نیست. شاید این رخداد، مجازاتی برای آمریکا باشد به‌ویژه که ثروتمندترین مردمانی را آتش به خاکستر نشانند که در آنجا ساکن بودند و همچنین آتش به دامن هالیوود هم افتاد. در جهان بینی اسلامی داریم که حتی اثر یک بال‌زدن پروانه می‌تواند در جهان توفان به پا کند و هیچ‌کاری بی‌تأثیر بر عالم نیست. کاش به خودشان بیایند زیر آتشی که در غزه و لبنان برافروختند، به جان خودشان افتاد و با دهای نا هنگام و بی سابقه هم به فراگیر شدن آتشی کمک کرد که پیشتر به خانه مظلومان غزه، فلسطین، لبنان و یمن افکنده بودند. پیش از آتش‌سوزی، یک نظرخواهی تلویزیونی در آمریکا انجام شد که دلیل این همه آشوب و جنگ و رخدادهای آسیب‌رسان طبیعی چیست؟ از میان گزینه‌ها به تنها گزینه‌ای که هیچ‌کسی توجه و اشاره‌ای نکرده بود، غرینه خدا بودا در قرآن از دو باغستان سخن رفته که یکی میوه‌های فراوان و پربار داشت و دیگری باغی کوچک و نه‌چندان چشمگیر بود. صاحب باغ نخست به قدری مست و مغرور شده بود که می‌گفت این نعمت هرگز زوال ندارد و به روشنگری‌های باغیان همسایه اعتنا نمی‌کرد تا سرانجام در شبی آذر خشی آسمانی، آن باغ را سوزاند تا صبح فردا جز خاکستر از آن باغستان آبادان برجا نماند و صاحب باغ، پشیمان از بار و غرور خود... در واقع این آه و ناله‌های مردمان غزه بوده که دامن آمریکا را گرفته و بیش از ۴ هزار شهید که بیشترشان زنان و کودکان بودند. بیش از ۱۰۷ هزار مجروح و زخمی و آسیب‌دیده و نزدیک به ۱۳ هزار نفر مفقودی را در غزه نگاه بکنید! اسرائیل با کمک آمریکا و پشتیبانی‌اش به این همه جنایت دست زد اما غافل از این که خداوند نه فقط دستور دها، رفتارها و کردارها را محاسبه می‌کند بلکه جبران‌کننده نیز هست. در گزارش‌ها داشتیم که خانه‌ایانی یک هنرپیشه هالیودی با خاک یکی شده و پیش از آتش‌سوزی، همین شخص در حمایت از ستم‌ها و جنایت‌های صهیونیست‌ها و نسل‌کشی در غزه تأکید کرده بود که نباید به این مردم رحم کرد و باید همه را کشت و منفجر کرد! و هم او پس از آتش‌سوزی، سرخورده از دولت کمک می‌خواست. باید افزود اگر کسانی، آتشی را در جایی بردامن کسی یا خانه کسی می‌افکنند، به‌داندند که همان آتش به گونه و با شکل و بیانه‌ای دیگر در دامن خودشان یا در خانه‌شان می‌افتد، به نوعی که دیگر قابل جبران نیست. بایدن درباره وضعیت لس‌آنجلس گفته بود که انگار اینجا بمباران شده است. یادمان نمی‌رود که کارتر در غزه به صهیونیست‌ها گفت با وجود این جنایت‌ها ما نمی‌توانیم به محکوم کردن اسرائیل مبادرت ورزیم یا وقتی امریکا ده‌ها قطعنامه سازمان امنیت را تو می‌کند و مانع از دسترسی فلسطینی‌ها به حقوق قانونی‌شان می‌شود؛ باید در یادید که روندهای دیگری نیز هست که به آنها خسارت و آسیب وارد بکند به گونه‌ای که نتوانند به جبران‌ش بپردازند؛ مانند آن حادثه عجیب که در حمله شبانه آمریکا به طیس و ایران فقط شن‌های صحرا به گونه‌ای به حرکت در آمد که باعث برخورد چرخ‌بال‌ها به هم و قتل نظامیان و ناکام ماندن عملیات‌شان شد. باید بدانند که خداوند بی‌همتا بزرگ‌ترین انتقام‌گیر است و پاسخ ستم را خواهد داد. ان شاء الله...



امیرحسین حکمت‌پور
نویسنده و پژوهشگر